

انتخابات مجلس بیست و یکم، گروه‌های سیاسی نوظهور و روند تحول پارلمان در ایران عصر پهلوی دوم

وحید قلفی^۱ / حبیب شرفی صفا^۲

چکیده

انتخابات دوره بیست و یکم مجلس شورای ملی از انتخابات مهم در تاریخ پارلمان ایران است. این انتخابات نسبت به دوره‌های گذشته، تفاوت‌های قابل توجهی یافت. در این دوره سیاست شاه در راستای تحقق اصلاحات مورد نظر آمریکا، نیازمند ورود گروه‌های نوظهور غرب‌گرا به صحنه سیاسی و پارلمان ایران پس از سرکوب نیروهای ملی در سال ۱۳۳۲ و مذهبی در سال ۱۳۴۲ بود. مداخلات جدید در انتخابات و تحولات انجام شده در ساختار مجلس پس از انقلاب سفید، از الزامات تشکیل مجلسی هماهنگ با دولت بود که در راستای سیاست‌های جدید شاه انجام می‌شد و نهایتاً در سیر انتخابات مجلس بیست و یکم بروز یافت. بنابراین، فشارهای غرب به رژیم شاه، اصلاحات ارضی، انقلاب سفید، تغییر دولت و روی کار آمدن اسدالله علم، پیدایش احزاب و گروه‌های نوظهور از مهم‌ترین مشخصه‌های این دوره از انتخابات مجلس بود که آن را از انتخابات مجالس پیشین متمایز می‌ساخت. حال پژوهش حاضر در تلاش است تا با بهره‌گیری از روش تاریخی و تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و اسناد آرشیوی، به توصیف و تحلیل جامعه ایران در آستانه انتخابات بیست و یکمین دوره مجلس شورای ملی بپردازد و چگونگی و روند انتخابات این دوره از مجلس شورای ملی و عوامل مؤثر بر آن را بازکاوی نماید. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که اعمال نفوذ همه‌جانبه در انتخابات مجلس بیست و یکم، برای

۱. دکتری تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

gholfi@yahoo.com

۲. استادیار تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشگاه سید جمال‌الدین اسدآبادی، اسدآباد، ایران. (نویسنده مسئول)

h.sharafisafa@sjau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۷ نوع مقاله: علمی - پژوهشی

دستیابی نیروهای جدید و تشکیل مجلسی کاملاً هماهنگ با دولت به منظور تحقق اصلاحات موردنظر شاه بوده است.

واژه‌های کلیدی: انتخابات، مجلس شورای ملی، مجلس بیست و یکم، تحول پارلمانی، احزاب سیاسی.



The Twenty-First Parliamentary Elections, Emerging Political Groups, and the Transformation of the Iranian Parliament during the Second Pahlavi Era

Vahid Gholfi¹ / Habib Sharafi Safa²

Abstract

The twenty-first elections of the National Consultative Assembly (Majles) represent a crucial moment in the parliamentary history of Iran. In contrast to earlier elections, this round was marked by profound transformations. In the aftermath of the suppression of nationalist forces in 1953 and religious movements in 1963, the Shah's strategy—shaped by the imperatives of U.S.-backed reforms—necessitated the participation of newly emerging, Western-oriented political groups in both the political sphere and the parliament. The interventions that shaped the electoral process, coupled with structural reforms within the legislature following the White Revolution, underscored the regime's determination to establish a parliament fully aligned with governmental policies. These dynamics became particularly visible during the twenty-first parliamentary elections. Pressures exerted by Western powers on the Shah's regime, the implementation of land reforms, the White Revolution, the change of government and the appointment of Asadollah Alam, as well as the emergence of new political parties and groups, constituted defining features that distinguished this electoral cycle from previous ones.

Drawing on a historical approach and grounded in library sources and archival documents, this study seeks to analyze Iranian society on the eve of the twenty-first parliamentary elections, tracing the conduct of the elections and unpacking the factors that influenced their course. The findings suggest that pervasive state intervention in the elections was primarily aimed at enabling the rise of new political actors and consolidating a parliament entirely synchronized with the government to ensure the realization of the Shah's reform agenda.

Keywords: Elections, National Consultative Assembly, Twenty-First Parliament, Parliamentary Transformation, Political Parties. Iran, Britain, Foreign Policy, World War II, Political Notes, Correspondence.

1 . PhD in Iranian Islamic History, Kharazmi University, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, History of Islamic Period Iran, Seyyed Jamaluddin Asadabadi University, Asadabad, Iran. (corresponding Author)

مقدمه

«تحول» به معنای تغییر اساسی و بنیادی در ساختار، حالت، فرآیند یا وضعیت یک پدیده یا نظام است. در حوزه‌های مختلف، از جمله علوم سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و تاریخی، «تحول» به فرآیند پیش‌رونده و عمدتاً تدریجی یا گاهی ناگهانی اشاره دارد که منجر به تغییرات در سطح ساختارها، نگرش‌ها، قوانین یا رفتارها می‌شود. در زمینه سیاست و تاریخ، «تحول» غالباً بیانگر طیف گسترده‌ای از تغییرات است که موجب بازتعریف روابط قدرت، نهادهای حکومتی و روندهای تصمیم‌گیری می‌گردد (بنگرید، بشیریه، ۱۳۸۸: ۲۴). این واژه می‌تواند هم در معنای مثبت، مانند پیشرفت و توسعه، و هم در معنای منفی، مانند بحران یا انحراف، مورد استفاده قرار گیرد، که بستگی به ماهیت و نتیجه فرآیند مورد نظر دارد. نگاهی به تاریخ و تحولات دهه ۱۳۴۰ش و انتخابات مجلس بیست و یکم شورای ملی که سراسر نشان از دخالت‌های حاکمیت در روند انتخابات و هدایت آن با بهره‌گیری از احزاب و گروه‌های تازه تأسیس حاکمیتی بوده، در ابتدا تحول پارلمانی نه‌چندان مثبتی را نشان می‌دهد. این روند که بازتابی از تعامل میان عوامل داخلی و خارجی بود به بهترین شکل خود را در وقایع شکست دولت علی امینی (۱۳۴۱-۱۳۴۰ش) و روی کار آمدن اسدالله علم (۱۲۹۸-۱۳۵۷ش) نشان داد. اصلاحاتی که عکم مجری آن بود بدون در نظر گرفتن شرایط سیاسی-اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و آداب و رسوم ملی جامعه سنتی ایران انجام می‌شد که تنها غایت آن اهداف سیاسی طراحان و مجریان داخلی و خارجی بود (بنگرید: دیگران و همکاران، ۱۳۷۸: ۱۹۷-۱۶۳). لذا این اصلاحات از همان ابتدا با موفقیت همراه نبود و گسست سیاسی و اجتماعی را که از سال‌ها قبل ایجاد شده بود، عمیق‌تر ساخت. از دیگر اقدامات دولت اسدالله علم تدارک مقدمات برگزاری انتخابات مجلس بیست و یکم شورای ملی بود. اما هربار دولت علم از این مسئولیت سرباز می‌زد و علت آن نیز این بود که علم و شاه مجلس را مانعی بر سر راه اصلاحات خود می‌دیدند (شاهدی، ۱۳۷۹: ۴۵۶-۴۵۵). اما در سوی دیگر، دولت علم و رژیم شاه جهت تأیید طرح‌های سیاسی و اجتماعی خود به رأی نمایندگان مجلس نیاز داشتند تا با استناد به آن، به اقدامات خود جنبه قانونی بخشند (شاهدی، ۱۳۷۹: ۴۵۶). لذا انتظار شاه از علم تشکیل مجلسی مطیع و تحت اوامر ایشان بود که راه را برای حکومت مطلقه فراهم سازد.

در سوی دیگر، مجلس بیست و یکم از جهت سیر تحول پارلمان و تعامل قدرت میان مجلس و دولت سرآغاز دوره جدیدی در تاریخ مجلس مشروطه ایران محسوب می‌شود. در این دوره با توجه به تغییر فضا و حرکت پرشتاب به‌سوی نوسازی، کشور دستخوش تحول جدیدی گردید، امری که نیازمند مداخلات گسترده در آن بود. مجلس جدید پس از عبور از مراحل بحرانی و استقرار یک دولت باثبات و برآمدن مجدد تفکر برنامه‌ریزی توسعه، یکسره در این مسیر قرار گرفت و دوره‌ای تقریباً استثنایی از جهت تصویب قوانین پرشمار و اساسی رقم خورد و تحول گسترده‌ای را در ساختار دولت، اقتصاد، فرهنگ و جامعه ایجاد نمود. بنابراین مجلس بیست و یکم پس از یک دوره فترت دو ساله در حالی از یک فضای سیاسی کاملاً متفاوت برخاسته بود که به‌تازگی اصلاحات وارداتی انقلاب سفید را پشت سر نهاده و گروه‌های سیاسی تازه‌ای را وارد عرصه سیاسی کرده بود و احزاب مردم و ملیون را که در جریان دوره فترت تضعیف شده بودند به گوشه‌ای رانده بود. در مقابل «کانون مترقی»^۱ مهم‌ترین گروه برآمده از مناسبات اقتصادی پس از کودتای ۱۳۳۲ توانست برای دو دهه قدرت اجرایی کشور را در دست بگیرد. برنامه‌های این گروه که جهت تحقق خواسته‌هایشان خود را به قدرت نزدیک کرده بودند، فصل جدیدی از پویای‌های جامعه ایران را در مسیر دگرگونی رقم زد و خواسته‌های تاریخی نوسازی ایران را پس از دوره بیست‌ساله رضاشاه پهلوی دوباره به منصه ظهور رسانید. از دیگر گروه‌های نوظهور «کنگره آزادزان و آزادمردان» بود که حضوری زودگذر در انتخابات مجلس بیست و یکم داشت و به‌عنوان یکی از نمادهای تحول‌خواه دهه ۱۳۴۰ به‌ظهور رسید. نقش اصلی آنان ایجاد هماهنگی و وحدت میان اقشار مختلف جهت آرای یکپارچه و ایجاد شور انتخاباتی بود. در چنین شرایطی بود که تحریم انتخابات از سوی گروه‌ها و احزاب سیاسی نظیر «جبهه ملی»، «نهضت مقاومت ملی» و «نهضت آزادی» نیز ادامه داشت. فترت دوساله در برگزاری انتخابات مجلس بیست و یکم، احزاب نوظهور تجدخواه و احزاب سنتی و مخالف انتخابات، مهم‌ترین مشخصه این دوره از انتخابات بود که آن را از انتخابات پیشین متمایز می‌ساخت. حال پرسش اساسی

۱. «کانون مترقی» از تشکلهای سیاسی و حکومتی دوره رضا شاه پهلوی بود که نخستین بار در اواخر ۱۳۳۹ ش، نخست با نام «پیشرو» تشکیل شد که پس از چندی به کانون مترقی تغییر نام داد.

پژوهش حاضر این است انتخابات مجلس بیست و یکم در چه شرایطی برگزار شد و نقش احزاب و گروه‌های نوظهور و سنتی در آن به چه شکلی بود؟ بنابراین، پژوهش حاضر در تلاش است تا با بهره‌گیری از روش تاریخی مبتنی بر توصیف و تحلیل داده‌ها با استفاده از منابع کتابخانه‌ای اعم از اسناد و مطبوعات به بررسی سه مؤلفه «انتخابات مجلس بیست و یکم»، «گروه‌ها و احزاب نوظهور» و «روند تحول پارلمان در دوره پهلوی دوم» بپردازد. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که مجلس بیست و یکم با فترت دو ساله در برگزاری آن، مجلسی کاملاً فرمایشی و گزینشی بوده و احزاب طرفدار دولت نظیر «کانون مترقی» و «کنگره آزادزان و آزادمردان» و جز اینها نقش مهمی در هدایت مردم برای برگزاری انتخابات پرشور دولتی ایفا کردند اما درنهایت این دوره به لحاظ حرکت سریع کشور به‌سوی نوسازی، عصر جدید را در تحول پارلمانی در معنای مثبت آن رقم زد. حال در ادامه به شرایط پیش‌روی انتخابات مجلس بیست و یکم و گروه‌ها و احزاب نقش‌آفرین در این دوره از انتخابات می‌پردازیم.

پیشینه پژوهش

در زمینه پژوهش حاضر مقالات و پژوهش‌های چندی تألیف شده که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به مجموعه مقالات ششمین همایش تخصصی تاریخ مجلس با عنوان «نگاهی به ساختار و کارکرد مجلس شورای ملی: دوره‌های بیست و یکم و بیست و دوم» (۱۴۰۰) اشاره کرد که به اهتمام علی ططری و فاطمه ترکچی منتشر گردیده و اختصاصاً تاریخ مجالس بیست و یکم و بیست و دوم مجلس شورای ملی را پوشش می‌دهد. در این پژوهش که شاید بتوان آن را جامع‌ترین آثار در تاریخ و تحولات مجلس بیست و یکم دانست، به‌صورت مستقل به گروه‌های نوظهور و روند تحول پارلمانی پرداخته نشده اما در زمینه‌های کلی اطلاعات گران‌بهایی به دست می‌دهد. از دیگر آثار این حوزه «مجلس بیست و یکم شورای ملی» (۱۳۹۴) به قلم حمید بصیرت‌منش و توران منصوری است که نگارندگان در آن به تشریح ساختار و کارکردهای مجلس بیست و یکم شورای ملی و گروه‌ها و برخی احزاب نوظهور پرداخته‌اند. از این جهت برای تحلیل نحوه شکل‌گیری و نقش گروه‌های نوظهور بسیار مفید است و منبع اولیه در موضوع پژوهش حاضر به‌حساب می‌آید. اثر دیگر با عنوان «مجلس شورای ملی (دوره‌های بیست و یکم

تا بیست و چهارم)» (۱۳۸۷) به قلم محمد مروار است که البته اثری کلی‌تر در زمینه موضوع مورد بحث ما به حساب می‌آید و نگارنده در آن چند دوره مجلس شورای ملی را بررسی نموده اما تأکید نگارنده بر مجلس بیست و یکم بوده و برای تحلیل روند تحول پارلمانی در چند دوره، می‌تواند مفید باشد. همچنین به چند نمونه از مقالات منتشرشده در این زمینه نیز می‌توان اشاره کرد که از این قرار است: «رویکرد مجلس بیست و یکم شورای ملی به انقلاب سفید» (۱۳۹۲) تألیف شهره جلال‌پور و شیوا جلال‌پور، «بررسی نحوه انتخاب و عملکرد نمایندگان زن در مجلس بیست و یکم شورای ملی» (۱۳۹۶) از توران منصوری و حمید بصیرت منش و «بررسی انتخابات و عملکرد نمایندگان کرمانشاه در مجلس شورای ملی دوره بیست و یکم» (۱۳۹۷) به قلم حسن زندیه و سهیلا نظری قنبری. بر این مجموعه می‌توان کتب و مقالات چندی را نیز افزود که در رابطه با مجالس شورای ملی نگاشته شده‌اند که از حوصله این نوشتار خارج است. باین حال، هیچ‌یک از منابع مذکور به‌طور اختصاصی به موضوع موردبحث این نوشتار یعنی «انتخابات مجلس بیست و یکم، گروه‌های سیاسی نوظهور و روند تحول پارلمان در ایران عصر پهلوی» به‌صورت مستقل نپرداخته‌اند که این امر اهمیت پژوهش حاضر و ضرورت توجه به آن را نشان می‌دهد.

۱. ایران در آستانه انتخابات مجلس بیست و یکم

با آغاز ریاست‌جمهوری کندی در آمریکا، و افزایش خطر گسترش کمونیسم در شرق، انجام اصلاحات در ایران ضروری به نظر می‌رسید و از نگاه آمریکایی‌ها، علی‌امینی که گرایش‌های نزدیکی به آمریکا داشت، توانایی مدیریت تحولات در ایران را داشت و مناسب‌ترین گزینه به حساب می‌آمد (پهلوی، ۱۳۷۹: ۴۳۳-۴۳۲). از این رو نخست‌وزیری امینی تغییرات وسیعی را در فضای سیاسی به‌ویژه پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ پدیدار نمود که مهم‌ترین آن انحلال مجلسین شورا و سنا بود که فترت دوساله‌ای را ایجاد کرد (علم، ۱۳۸۰: ۸۳۴-۸۳۳؛ روزنامه اطلاعات، ۱۰۵۰۰، ۵ / ۲ / ۱۳۴۰: ۲۰؛ امینی، ۱۳۷۶: ۲۰؛ کدی، ۱۳۷۳: ۲۷۰؛ سفری، ۱۳۷۳: ۲۹۳). سران جبهه ملی که اعتراض به تعطیلی مجلس داشتند بر این عقیده بودند که «اساس مشروطیت تعطیل‌بردار نیست و بایستی انتخابات سراسر کشور [را] در اسرع وقت و با همان قانون اجرا نمود». (بازرگان، ۱۳۹۸: ۳۵۵؛ جبهه ملی، ۱۳۷۹: ۶۴/۱-۵۹). دولت امینی در اواسط دی ۱۳۴۰

قانون اصلاحات ارضی را به تصویب رساند (زونیس، ۱۳۷۱: ۱۵۶۲-۱۵۶۱). اجرای این برنامه که در راستای برنامه اصلاحات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آمریکا در جهت مقابله با رشد کمونیسم در ایران پیشنهاد شده بود با مخالفت شدیدی مواجه شد (بیل، ۱۳۷۱: ۲۰۴؛ حائری، ۱۳۷۲: ۳۴۹). اقدامات امینی روزبه‌روز بر تعداد مخالفان وی افزود (الموتی، ۱۳۷۰: ۳۵۰؛ کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۲۷۰). تا اینکه دولت کندی را با توجه به افزایش نفوذ کمونیسم به تجدیدنظر واداشت و ضربه نهایی در سفر شاه به آمریکا در ۲۱ فروردین ۱۳۴۱ بر پیکره کابینه امینی وارد آمد و شاه پس از بازگشت به ایران امینی را مجبور به استعفا کرد (الموتی، ۱۳۷۰: ۳۵۳؛ علم، ۱۳۸۰: ۸۵۲-۸۵۳).

با استعفای امینی، امیراسدالله علم در ۳۰ تیر ۱۳۴۱ مأمور تشکیل کابینه شد. او آغازگر چالش‌های گسترده‌ای شد که شاه جهت اطمینان آمریکا برای اصلاحات برعهده او گذاشته بود (زونیس، ۱۳۷۱: ۲۶۸؛ علم، ۱۳۷۱: ۸/۱). برنامه نخست دولت علم که از آن به‌عنوان تکلیف معطل‌مانده قانون اساسی در جهت تمرکززدایی قدرت اجرایی کشور یاد می‌شد، «لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی» بود. این لایحه با حذف مذهب رسمی و عدم قید سوگند به قرآن برای دولت فاجعه آفرید (روحانی، ۱۳۵۸: ۱۴۲). انتشار خبر تصویب لایحه در جراید سرآغاز جنبش روحانیت به رهبری آیت‌الله روح‌الله خمینی بود (روزنامه اطلاعات، ۱۰۹۱۷، ۱۶/۷/۱۳۴۱: ۱۸-۱۷). علم در برابر مخالفت نیروهای مذهبی، آنها را ارتجاعی خواند و گفت: چرخ زمانه به عقب برنمی‌گردد و دولت از برنامه اصلاحی که در دست دارد عقب‌نشینی نمی‌کند (روزنامه اطلاعات، ۱۰۹۴۱، ۱۴/۸/۱۳۴۱: ۵؛ رجبی، ۱۳۷۷: ۱/۲۳۳). اما با گسترش مخالفت‌ها و ایستادگی آیت‌الله خمینی و حمایت روحانیونی نظیر آیت‌الله کمالوند از روحانیون متنفذ خرم‌آباد که با آیت‌الله بهبهانی تماس گرفته و از ایشان در مورد نحوه عمل روحانیت در قبال جریانات اخیر کسب دستور نموده بود، درنهایت موجب گردید تا دولت مصوبه را لغو کند (روزنامه اطلاعات، ۱۰۹۶۳، ۵/۹/۱۳۴۱: ۱۰؛ قیام پانزده خرداد به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۸: ۱/۵۵۹). همچنین اعتراضاتی نیز از سوی دیگر روحانیون ازجمله حاج سید ابوالحسن قزوینی به روند انتخابات شد (ساکما، ۳۷۳۵/۲۸۰، ۱۵/۳/۱۴۳۴۲).

شاه و دولت پس از این ناکامی بلافاصله برنامه انقلاب سفید را که از جانب آمریکا برای رویارویی با جنبش‌های ملی در جهان سوم طراحی شده بود مطرح و به فراندوم گذاشتند (طلوعی، ۱۳۷۱: ۱۹۲). گفته شده بود که انقلاب سفید برنامه و تلاشی برای جلوگیری از انقلاب و

ناممکن ساختن آن در ایران بود (الگار، ۱۳۶۰: ۶۵). شاه روز ۱۹ دی ۱۳۴۱ اصول شش‌گانه انقلاب سفید را که ابعاد گسترده‌ای داشت اعلام نمود (روزنامه اطلاعات، ۱۰۹۹۵، ۱۹/۱۰/۱۳۴۱: ۱۶). به این ترتیب انقلاب سفید گام اساسی در تثبیت موقعیت شاه بود. هرچند منتقدان، شاه را عروسک آمریکا تلقی نمودند (فرمانفرمایان، ۱۳۷۳: ۱۶۱). دولت به رغم مخالفت‌های گسترده روحانیون و فراندوم را در ۶ بهمن ۱۳۴۱ برگزار و اعلام کرد که اصول پیشنهادی شاه، با ۵۵۹۸۷۱۱ رأی موافق (۹۰ درصد واجدین شرایط شرکت‌کننده) مورد تصویب قرار گرفته است. شاه نیز با سفر پرچالش به قم قبل از فراندوم مخالفان را ارتجاع سرخ و سیاه خواند (روزنامه اطلاعات، ۱۱۰۰۷، ۱۳۴۱/۱/۴: ۱۳؛ علم، ۱۳۸۰: ۸۶۷). به این ترتیب موضع سرسختانه خود را جهت انجام اصلاحات نشان داد و پس از اعلام نتایج گفت: انقلاب ملی به وسیله ملت ایران تصویب شد (روزنامه اطلاعات، ۱۱۰۱۰، ۱۱/۸/۱۳۴۱: ۱). این اقدام شاه با واکنش شدید روحانیون به رهبری آیت‌الله خمینی در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به اوج خود رسید (رک، نجفی و سادات، ۱۴۰۱: ۳۳۶-۳۱۷). آیت‌الله خمینی تقیه را حرام اعلام و از ارتباطات پنهان و آشکار رژیم با اسرائیل و آمریکا خبر داد و تیغ اتهام را برای نخستین بار در ایران متوجه شخص شاه کرد (منصوری، ۱۳۷۷: ۵۷-۵۶). شاه نیز ناآرامی‌ها را به خارج از ایران و عبدالناصر رئیس‌جمهور مصر نسبت داد و دریافت ۲۵ ریال را مستمسک اعتراضات و ناآرامی‌ها قلمداد کرد. (روزنامه اطلاعات، ۱۱۱۱۰، ۱۳۴۲/۳/۱۹: ۴). برای جلوگیری از اعتراضات در شهرهای مهم از ۱۵ خرداد تا ۳۰ مهر ۱۳۴۲ حکومت نظامی اعلام شد. انتخابات مجلس بیست و یکم در چنین فضای سیاسی و وجود حکومت نظامی برگزار گردید.

پرونده‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۲. انتخابات دوره بیست و یکم مجلس شورای ملی

پس از انتصاب علم به نخست‌وزیری، او برگزاری انتخابات مجلس بیست و یکم را از مهم‌ترین اولویت‌ها بیان کرد. شاه نیز که تصمیم داشت تا آثار وقایع سیاسی سال‌های ۱۳۴۱ و ۱۳۴۲ را التیام بخشد، اصرار داشت تا شرایط انتخابات جدید زودتر مهیا گردد. زیرا بر آن بود تا ساختار مجلس را با شرایط اصول انقلاب سفید و فراندوم برگزار شده متحول و تطبیق دهد (عظیمی، ۱۳۹۱: ۳۲۹-۳۲۷). یکی از مهم‌ترین نکات مورد توجه شاه در این مقطع حضور زنان در انتخابات بود (روزنامه اطلاعات، ۱۱۰۵۳، ۷/۱/۱۳۴۲: ۱۳). وزارت کشور طی ابلاغیه‌ای به

استانداران و فرمانداران فرایند کار را ابلاغ کرد: «در تعقیب دستور عمومی شماره ۸۵۹۸ مورخ ۴۲/۴/۱۲ راجع به تشکیل حوزه‌های ثبت‌نام رأی‌دهندگان و صدور کارت انتخاباتی، چون وسایل کار تهیه شده [...] مقرر فرمایید ترتیب کار را طوری دهید که از روز پنج‌شنبه دهم مرداد حوزه‌های ثبت‌نام در کلیه نقاط آن سازمان بر طبق صورتی که اداره کل ثبت‌نام برای رئیس ثبت و احوال آن حوزه فرستاده است تکمیل شود و مطابق آیین‌نامه اجرائی قانون انتخابات مجلسین شروع به کار نمایند» (روزنامه اطلاعات، ۱۱۱۴۶، ۳۱/۴/۱۳۴۲: ۱۳).

نخست‌وزیر تاریخ برگزاری انتخابات مجلس دوره بیست و یکم را روز ۲۶ شهریور اعلام و متذکر شد به موجب ماده دوم قانون اصلاح انتخابات که در ششم بهمن ۱۳۴۱ به تصویب ملی و در ۱۵ بهمن به توشیح شاه رسیده است، انتخابات در تمام کشور در مدت یک روز انجام می‌گیرد (روزنامه اطلاعات، ۱۱۱۵۸، ۱۴/۵/۱۳۴۲: ۱۳). اما انتخابات برخلاف انتظار ناظران و فعالان سیاسی و با وجود تبلیغات بسیار فراوان و ورود نیروهای تازه‌نفس تجددخواه، کم‌رنگ برگزار شد. سفارت انگلیس نیز این حضور را کم‌فروغ گزارش داد (علم، ۱۳۸۰: ۸۶۹). در این انتخابات استفاده از کارت الکتروال جهت تشویق به حضور دوم در انتخابات پیش‌بینی شده بود اما گزارش‌های موردی به لزوم ارائه کارت جهت دریافت حقوق کارمندان اشاره دارد. گزارش روزانه مهندس بازرگان از مبارزان و فعالان سیاسی آن دوره کم‌استقبالی از انتخابات را منعکس می‌کند. او می‌نویسد: «حضور مردم در حوزه‌ها بسیار کم است و پلیس و نیروهای نظامی اطراف دانشگاه را محاصره کرده‌اند». در مورد تخلفات و تقلبات نیز نوشته «کارمندان دولت که صبح ساعت هفت به حوزه راه‌آهن می‌روند می‌بینند که یک صندوق رأی شبانه پر شده است» (بازرگان، ۱۳۷۶: ۱۰۴). علم در مصاحبه‌ای درخصوص آزادی انتخابات و فعالیت مخالفان اظهار داشت: «افرادی که مالکیت خود را بر اراضی و بدین طریق نفوذ خود را بر دهقانان از دست داده‌اند و کسانی که منافع خصوصی‌شان بر اثر اجرای اصلاحات در خطر است، فعالیت شدیدی علیه انتخابات به راه انداخته‌اند». او به نقش «روحانیون» در این مخالفت‌ها اشاره (روزنامه اطلاعات، ۱۱۱۹۴، ۲۶ / ۶ / ۱۳۴۲: ۱۶) و به این ترتیب از سردی انتخابات در فضای سنگین حکومت نظامی پرده برداشت.

۳. احزاب و تکان‌های انتخابات مجلس بیست و یکم

احزاب دولتی

انتخابات مجلس بیستم اوج قدرت‌نمایی احزاب مردم و ملیون بود اما با روی کار آمدن امینی فعالیت دو حزب که در جریان انتخابات مجلس بیستم صدمه دیده بودند رو به افول گذاشت. این صدمه عمدتاً به خاطر ائتلاف آنها و توافق پنهان و آشکار آنان در تقسیم کرسی‌های مجلس بیستم و رویکرد سنت‌گرایانه آنان در فضای سیاسی در حال تحول ایران بود (مجله خواندنی‌ها، ۳۲، ۱۸/۱۰/۱۳۴۱: ۵). از سوی دیگر، این احزاب با طولانی‌شدن دوره فترت مجلس فعالیت‌هایشان کاهش یافت و ورود نیروهای اجتماعی نوخاسته (کانون مترقی و کنگره آزادزان و آزادمردان) موقعیت آنان را فروکاهید. با آغاز فعالیت‌های انتخاباتی مجلس بیست و یکم، یحیی عدل، دبیرکل حزب مردم اظهار داشت این حزب مشغول سازمان دادن به تشکیلات خود است و ائتلاف با دسته‌جات سیاسی را که دارای اهداف مشترک باشند می‌پذیرد (روزنامه اطلاعات، ۱۱۰۶۱، ۱۸/۱/۱۳۴۲: ۱۵) و افزود حزب در حال تشکیل کمیسیونی است که موقعیت محلی افراد را شناسایی و پس از اطمینان به پایداری آنها به اصول انقلاب، آنها را به‌عنوان کاندیدا معرفی کند (روزنامه اطلاعات، ۱۱۱۵۷، ۱۳/۴/۱۳۴۲: ۱۳). حزب مردم در جلسه عمومی ۲۶ مرداد ۱۳۴۲ با صدور قطعنامه‌ای مواضعش را پیرامون انتخابات مجلس بیست و یکم در یازده بند منطبق با اصول انقلاب سفید اعلام نمود (مراسان، ۱۳۵، ۲۳۹۷-۷۴: ۱۱۰-۱۰۹). موضع حزب مردم از منظر حزب حاکم و دارای اکثریت که رهبر آن در مسند نخست‌وزیری قرار داشت بسیار ضعیف می‌نمود و سخنان عدل به‌عنوان دبیرکل را باید شکست زود هنگام تفسیر کرد که از موضع ضعیف ائتلاف با دیگر نیروها را جست‌وجو می‌کرد. در واقع مأموریت تاریخی این احزاب در خلال وقایع سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۲ ناپدید شد. برنامه ارائه‌شده حزب مردم بازنویسی بخشی از سخنان نخست‌وزیر در ارائه برنامه دولت به مجلس بیست و یکم بود (مذاکرات مجلس، ۱۲-۱۳/۲۱). این حزب نیز هماهنگ با تحولات جدید دو کاندیدای زن را برای مجلس شورای ملی و مجلس سنا معرفی کرد. بدرالملوک بامداد برای مجلس شورای ملی و منوچهریان برای مجلس سنا (مجله خواندنی‌ها، ۹۸، ۵/۶/۱۳۴۲: ۵۱). بخش دیگری از فعالیت‌های حزب مردم در کنگره آزادزان و آزادمردان صورت گرفت و لیست انتخاباتی که از طرف کنگره منتشر شد

حاوی ۴۲ نفر از اعضای حزب مردم بود (مراسان، ۱۳۵، ۲۳۹۷-۷۴: ۱۱۰). پس از برگزاری انتخابات نیز حزب مردم با تشکیل فراکسیون اقلیت به رهبری هلاکو رامبد ایفای نقش کرد (صارمی، ۱۳۷۸: ۹۵).

حزب ملیون در این انتخابات در مقایسه با حزب مردم حضوری کم‌فروغ‌تر داشت. در مرکزیت این حزب جنب و جوش و فعالیت به چشم نمی‌خورد. چرا که پس از دست دادن قدرت به تدریج اعضای هیئت‌رئیس آن استعفا دادند (مجله خواندنی‌ها، ۸۲، ۱۵ / ۵ / ۱۳۴۲: ۸). احمد امامی دبیرکل حزب در ۱۰ مرداد ۱۳۴۲ و در آستانه انتخابات مجلس بیست و یکم مواضع حزب را چنین بیان داشت: چون اصول انقلابی شاه با مرامنامه حزب ملیون منطبق است و مورد تأیید مردم نیز قرار گرفته است از این رو نه تنها حزب ملیون بلکه وظیفه تمام مردم است که در این انتخابات شرکت کنند (روزنامه اطلاعات، ۱۱۱۵۶، ۱۲ / ۵ / ۱۳۴۲: ۱۳). حزب به‌رغم وعده تغییر ساختار نتوانست تغییراتی را در رهبری حزب ایجاد کند (شاهدی، ۱۳۷۹: ۴۴۷) و تعداد معدودی از کاندیداهای حزب به مجلس بیست و یکم راه یافتند و این تعداد نیز پس از راهیابی به مجلس پس از مشاوره با اقبال به عضویت یکی از احزاب ایران نوین و مردم درآمدند.

کانون مترقی

کانون مترقی مهم‌ترین گروه برآمده از مناسبات اقتصادی پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بود که توانست به تدریج با جامعه در حال تحول ایران هماهنگ و برای مدت دو دهه قدرت اجرایی کشور را در دست گیرد. کانون مترقی به رهبری حسنعلی منصور نهاد اولیه حزب ایران نوین بود که در خلال مجلس بیست و یکم اعلام موجودیت کرد. برنامه‌های این گروه جوان که جهت تحقق خواسته‌هایشان خود را به قدرت نزدیک کردند، فصل جدیدی از پویای جامعه ایران را در مسیر دگرگونی رقم زد و خواسته‌های تاریخی نوسازی ایران را پس از دوره بیست‌ساله رضاشاه پهلوی دوباره به منصف ظهور رسانید. کانون مترقی پس از نخستین دیدار با شاه در ۸ خرداد ۱۳۴۲، چند ماه قبل از انتخابات دوره بیست و یکم، چنین معرفی و موردحمایت شاه قرار گرفت: «هیئتی که به نام کانون مترقی از اشخاص تحصیل کرده و متخصص و روشنفکر و علاقه‌مند برای مطالعات عمیق و دقیق در امور اقتصادی و اجتماعی برای رفاه و آسایش و تعالی و ترقی ملت و کشور ایران گردآمده موجب مسرت و رضایت‌خاطر ما گردید و به‌منظور

ابراز علاقه و توجه خاص به این موضوع به موجب این دستخط مقرر می‌داریم که کانون مزبور به نام دفتر مطالعات اقتصادی ما تعیین گشته و اعضای آن با عنایت و توجهات مخصوص مستظهر باشند» (روزنامه اطلاعات، ۱۱۱۰۷، ۱۵/۳/۱۳۴۲: ۱ و ۱۳؛ ایران نوین به روایت اسناد، ۱۳۸۰: ۸۵/۱).

با آغاز کارزار انتخاباتی مجلس بیست و یکم درحالی که در اساننامه کانون مترقی، عدم دخالت در مسائل سیاسی ذکر شده و شاه نیز آن را دفتر مطالعات اقتصادی تعریف و عنوان گذاری کرده بود، اعضای کانون وارد فعالیت‌های سیاسی شدند. منصور و هویدا و تعداد دیگر از اعضای اولیه کانون لیست انتخاباتی برای مجلس بیست و یکم فراهم آوردند (ذوالفقاری، ۱۳۸۶: ۷۷). نخستین موضع‌گیری رسمی کانون مترقی در قبال انتخابات مجلس بیست و یکم، هدف‌گذاری‌های بلندمدت این گروه متخصصان تجددخواه را به‌خوبی آشکار ساخت. منصور در ۱۸ تیر ۱۳۴۲ ضمن اعلام ورود کانون به مبارزات انتخاباتی، به بیان توانمندی‌های کانون و تحولات انقلابی صورت گرفته از سوی شاه که ورود طبقه تحصیل کرده به عرصه انتخابات را ضروری ساخته بود، پرداخت و آن را از اهداف کانون در این دوره از انتخابات دانست (مجله خواندنی‌ها، ۸۷، ۲۹/۴/۱۳۴۲: ۷؛ روزنامه اطلاعات، ۱۱۱۳۷، ۱۹/۴/۱۳۴۲: ۶). منصور همچنین درخصوص ویژگی‌های موردنظر نمایندگان جهت انجام مأموریت تاریخی مجلس گفت: «این بار نمایندگان ملت باید از بین افراد و گروه‌هایی باشند که برای حفظ و حراست برنامه‌های مترقی در جهت سعادت و سلامت جامعه ایران قدم به مجلس بگذارند. این بار انتخابات باید بر اساس دفاع از اصول برنامه‌ها صورت گیرد و مجلس و دولت‌ها را در اجرای انقلاب عمیق اقتصادی و اجتماعی و هدف‌های انقلاب ششم بهمن هدایت و حمایت نمایند» (روزنامه مهر ایران، ۱۸۷۰، ۱۹/۴/۱۳۴۲: ۳). او در ادامه از نقش زنان و فعالیت سیاسی آنان به‌عنوان نیمی از جمعیت حمایت کرد.

کنگره آزادزان و آزادمردان

یکی از گروه‌های برآمده از انقلاب سفید که حضوری زودگذر در انتخابات مجلس بیست و یکم داشت «کنگره آزادزان و آزادمردان» بود که پس از یک میتینگ تبلیغاتی سیاسی به‌عنوان یکی از نمادهای تحول‌خواه دهه ۱۳۴۰ به‌ظهور رسید (رک، قاجار، ۱۴۰۰: ۱۱۱-۱۱۲). نقش اصلی آنان ایجاد هماهنگی و وحدت میان اقشار مختلف جهت آرای یکپارچه و ایجاد شور انتخاباتی

بود. اینان برای نخستین بار در چهارشنبه ۲ مرداد ۱۳۴۲ که نمایندگان دبیران و اعضای سندیکاها و اتحادیه‌های کارگران تهران جمع شدند، با هدف حمایت از انقلاب سفید خواستار شدند که به نمایندگانی رأی داده شود که در راه رسیدن به اهداف انقلاب گام برمی‌دارند و از عطاءالله خسروانی وزیر کار درخواست کردند برای کمک به این هدف، کنگره عمومی تشکیل و از طریق آن برنامه‌های خود را به پیش برند (روزنامه اطلاعات، ۱۱۴۸، ۲/ ۴/ ۱۳۴۲: ۱۵). آنان در دومین گردهمایی خواستار برگزاری میتینگ سیاسی و انتخاباتی در میدان جلالیه شدند (روزنامه اطلاعات، ۱۱۴۹، ۳/ ۴/ ۱۳۴۲: ۱۳). نهضت آزادزان و آزادمردان با هدف حمایت از انقلاب سفید کنگره سراسری را تدارک دید (روزنامه اطلاعات، ۱۱۶۲، ۲۰/ ۵/ ۱۳۴۲: ۱۳) و مقرر شد کنگره‌ای مرکب از نمایندگان سراسر کشور به مدت سه روز تشکیل تا کاندیداهای سراسر کشور را معین کنند (روزنامه اطلاعات، ۱۱۶۸، ۲۷/ ۵/ ۱۳۴۲: ۱۳؛ مجله خواندنی‌ها، ۹۶، ۲۹/ ۵/ ۱۳۴۲: ۲). مسئولیت اجرایی کمیته هم برعهده احمد نفیسی شهردار تهران بود (مجله خواندنی‌ها، ۹۷، ۲/ ۶/ ۱۳۴۲: ۲). برگزاری نخستین کنگره ملی ائتلاف انتخابات مجلس بیست و یکم در ۵ شهریور ۱۳۴۲ در سالن محمدرضا پهلوی برگزار و این کنگره به نام کنگره آزادزان و آزادمردان نامیده شد. در این جلسه اسدالله علم و تعدادی از وزراء و شخصیت‌های سیاسی شرکت داشتند (روزنامه مهر ایران، ۱۹۰۸، ۶/ ۶/ ۱۳۴۲: ۶). حسین خطیبی نایب‌رئیس مجلس بیست و یکم، هدف از تشکیل کنگره را تلاش رژیم شاه برای مردمی جلوه‌دادن انتخابات دانسته و می‌گوید: «در انتخابات دوره بیست و یکم، شاه برای آنکه ظاهری آزادانه به انتخابات دهد از طریق کنگره آزادزان و آزادمردان اقدام نمود. حسنعلی منصور و آقایان احمد نفیسی، عباس سالور، عطاءالله خسروانی، حسن زاهدی، و چند تن دیگر از کارگردانان این کنگره بودند. در این کنگره اسامی نامزدها هر حوزه معین و اعلام می‌شد» (رسولی پور، ۱۳۷۷: ۲۳۶). تدارک این کنگره بزرگ در سطح ملی همه رقبا را جهت شرکت در انتخابات به تردید انداخت و حتی تعدادی از صحنه رقابت کنار کشیده و در روزنامه‌ها آگهی تبریک درج کردند. درواقع برگزاری کنگره، انتخاباتی زود هنگام بود که دولت و گروه‌های قدرتمند و نخواستار انقلاب سفید جهت حتمی ساختن ترکیب و ساختار جدید مجلس تدارک دیده بودند. انتشار اسامی کاندیدها از طرف کنگره حاکی از آن بود که تعداد زیادی از آنان تا قبل از تشکیل کنگره هیچ‌گونه فعالیتی برای انتخابات نکرده بودند (مجله خواندنی‌ها، ۱۰۱، ۱۶/ ۶/ ۱۳۴۲: ۳ و ۱۰۰، ۱۲

۱۳۴۲/۶/۳). نکته حائز اهمیت آنکه حدود ۹۰ درصد از نامزدهای نمایندگی برای این دوره سابقه و کالت نداشتند. همان‌طوری که اشاره شد و از تدارکات گسترده این کنگره و نقش آفرینی دولت علم برمی‌آمد، کاندیداهای کنگره در سطح ملی تقریباً همگی به مجلس بیست و یکم راه یافتند. تنها ۱۳ نفر از نمایندگان، معرفی شده کنگره نبودند؛ که اینان نیز درباره انتخابات و نحوه عمل انجمن‌های فرعی و شمارش آراء اعتراض داشتند (روزنامه اطلاعات، ۱۱۹۸، ۱۱۹۸/۶/۳۱: ۱۳ و ۱۳۴۲/۷/۱: ۱).

۴. تحریم انتخابات مجلس و نیروهای سیاسی

جبهه ملی و نهضت مقاومت ملی

تحریم انتخابات مجلس شورای ملی دوره بیست و یکم توسط نیروهای مخالف ملی و رهبران بلندمرتبه مذهبی از مهم‌ترین اقدامات در مشروعیت‌زدایی رژیم بود که در خلال انتخابات پس از وقایع خونین ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ بروز یافت. در اول شهریور ۱۳۴۲ و در آستانه انتخابات تراکت‌ها و اعلامیه‌های گوناگونی در خصوص شرایط نامناسب انتخابات با امضای جبهه ملی انتشار یافت (بازرگان، ۱۳۷۶: ۷۵). جبهه ملی نوشت: «انتخابات در شرایطی انجام می‌شود که رهبران جبهه ملی و زعمای مذهبی در سیاه‌چال‌های سازمان امنیت به سر می‌برند. این انتخاباتی است با شناسنامه‌های جعلی و با کارگردانی سازمان امنیت.» جبهه ملی این مجلس را «تنگ مشروطیت» خواند و از مردم خواست «در برابر تبدیل مجلس ملی به یکی از شعب سازمان امنیت مقاومت» کنند و افزود «قراردادهای مجلس ساخت سازمان امنیت، ارزش و اعتبار قانونی نخواهد داشت» (ساکما؛ ۱۲۳۹-۲۹۲: ۱). همچنین الهیار صالح از پذیرش کاندیداتوری از کاشان به جهت فضای انتخاباتی خودداری نمود (بازرگان، ۱۳۷۶: ۹۸-۹۷). شورای مرکزی جبهه ملی در ۲۱ شهریور ۱۳۴۲ با صدور اعلامیه‌ای انتخابات را به دلیل حاکمیت استبدادی، سلب آزادی‌های فردی و اجتماعی مقرر در قانون اساسی، برپایی حکومت نظامی، تشکیل و دخالت کنگره ساختگی به وسیله دولت برای تعیین کاندیداها و همچنین ممنوعیت مراجع تقلید از شرکت در امر انتخابات، تحریم کرد (زهیری، ۱۳۷۹: ۲۴۱). به این ترتیب جبهه ملی مواضع سرسختانه‌ای را در مقابل رژیم علی‌رغم مذاکرات انجام‌شده و مساعدت‌های پیشنهادی دولت و شاه اتخاذ کرد. نهضت مقاومت ملی نیز همین شکل موضع گرفت. آنان در ۹ مهر ۱۳۴۲ در آستانه انتخابات

مجلس شورای ملی دوره بیست و یکم طی اطلاعیه‌ای از مردم ایران خواستند در اعتراض به جریان خیمه‌شب‌بازی و رسوای انتخابات مجلس فرمایشی در روز ۱۳ مهر ۱۳۴۲، که از صبح تا ساعت ۱۲ ظهر به دعوت روحانیون صورت می‌گیرد، فعالانه شرکت کنند (روحانی، ۱۳۵۸: ۷۵۶).

نهضت آزادی ایران

نهضت آزادی ایران که در ۲۵ اردیبهشت ۱۳۴۰ اعلام موجودیت کرد، یکی دیگر از احزاب و نیروهای سیاسی مخالف بود که نقش مهمی در انتخابات مجلس بیست و یکم ایفا کرد و مواضع تند آن، جریان مخالف شاه را چند گام به‌پیش برد و خاستگاه جریان‌های جدید مبارز با رژیم پهلوی گردید. با آغاز تبلیغات انتخابات مجلس بیست و یکم، نهضت آزادی در ۹ مرداد ۱۳۴۲ اعلامیه‌ای را با عنوان «انتخابات به‌اصطلاح مدرن و با کارت الکتروال در چه شرایطی شروع می‌شود» مواضع سازش‌ناپذیر با حکومت شاه را اعلام کرد. در بخشی از اعلامیه مفصل نهضت آزادی آمده است: «دستگاه دیکتاتوری و آدمکشان عصر ما می‌خواهند با انتصاب و کلای جان-نثار و خانه‌زاد، روی جنایات و خودسری‌های خود پرده کشند و مجلس فرمایشی تشکیل دهند...» (بازرگان، ۱۳۹۸: ۱۰/۳؛ اسناد نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۱: ۳۰۸/۱-۳۱۰). نهضت آزادی در اعلامیه‌ای کوبنده دیگر هدف دولت از برگزاری انتخابات را «استقرار خارجی، ادامه روش آدمکشی و دیکتاتوری حکومت فردی، ادامه دزدی و ارتشا، فساد و چپاول خزانه ملی و ادامه تسلط بیگانگان» برشمرده و می‌افزاید: «ملت ایران با فرمان پیشوایان مذهبی و ملی در چنین انتخاباتی در این شرایط فاشیستی شرکت نمی‌کنند و مجلسی را که لیست نمایندگان آن با دستیاری چند جلاد حرفه‌ای در پلاژ نوشهر تهیه گردیده فاقد ارزش قانونی می‌داند (اسناد نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۱: ۱ / ۳۱۱).

۵. شاه و انتخابات دوره بیست و یکم

ورود شاه به انتخابات مجلس بیست و یکم با وعده انتخابات آزاد و نمایندگانی جدید متناسب با اهداف انقلاب سفید و انتقاد از گذشته، روند تازه‌ای از مداخلات حاکمیتی را پدیدار نمود. او در اظهارنظری پیرامون آیین‌نامه جدید در مصاحبه با روزنامه دیلی تلگراف گفت «اطمینان دارم با

قوانین جدیدی که برای انتخابات تهیه شده‌است پارلمان دموکراتیکی جانشین مجالس نامناسب قبلی می‌شود» (روزنامه اطلاعات، ۱۱۱۱۶، ۱۳۴۲/۳/۲۶: ۵). او به‌دفعات طی این مدت بر غیردموکراتیک بودن مجالس قبل صحه گذاشت و در آستانه انتخابات اعلام نمود: «افراد ملت خواهند توانست در انتخابات آینده برای نخستین بار با احساس آزادی رأی دهند و در تعیین سرنوشت خویش با اختیار کامل شرکت جویند» (پهلوی، بی‌تا: ۳۰۹۳/۴) و در تهییج کارگران و دهقانان جهت شرکت در انتخابات هم گفت: «خود را برای انتخابات آماده سازید و راه پارلمان را بر عناصر ارتجاعی سد سازید» (روزنامه اطلاعات، ۱۱۱۰۰، ۱۳۴۲/۳/۴: ۱). شاه در مراسم تقسیم املاک کرج هم اظهار داشت: «روی همین بردگی اکثریت مملکت و عدم شرکت آنها در تعیین سرنوشت، یک عده شهری به‌عنوان سیاستمداران کارها را بین خودشان تقسیم کردند» (روزنامه اطلاعات، ۱۱۱۵۲، ۱۳۴۲/۵/۷: ۱۲). به‌این ترتیب شاه در آستانه انتخابات مجلس بیست و یکم مخالفان خود و انقلاب سفید را به چالش کشید و با انتقادهای رادیکال از وضع گذشته، آینده‌ای بهتر را نوید داد و اهداف انقلاب سفید را علاوه بر کارکردهای بین‌المللی آن در سطح داخلی نیز آشکار کرد که عبارت بود از: تضعیف مواضع نخبگان سیاسی با توجه به نفوذ اجتماعی و سیاسی مالکان در دهه‌های بعد از پیروزی انقلاب مشروطه که سبب تفوق آنها در اکثر نهادهای سیاسی و اجتماعی به‌خصوص مجلس شورای ملی شده بود و شاه درصدد بود تا با اصلاحات ارضی این روند را تغییر دهد (مقصودی، ۱۳۸۰: ۳۶۳-۳۶۱).

۶. نتایج انتخابات مجلس و اعتراض‌ها

انتخابات مجلس بیست و یکم به‌رغم تحریم علما و مخالفت نیروهای کارکشته سیاسی سنتی با تدارکات گسترده شاه و دولت و فراخوانی نیروهای تازه‌نفس با همه تمهیدات پنهان و آشکار آن، در موعد مقرر برگزار و نتایج آن پیروزی مطلق نیروهای سیاسی جدید اعلام گردید. حضور ۹۰ درصد نیروهای جدید، که کمتر حضور در چنین نهادی را انتظار داشتند اعتراض گسترده به نتایج و روند انتخابات را به دنبال داشت. مهم‌ترین اعتراض به انتخابات این دوره به نحوه برگزاری و شمارش آراء بود. رخدادهایی که تحت عناوینی چون اعتراض، تخلف و تقلب در گزارش‌های دولتی و مردم آمده است. یکی از نامزدهای وکالت دوره بیست و یکم که خود

را از انتخابات کنار کشیده بود نمایندگان انتخاب شده را «وکلائی صندوقی» عنوان گذاری نمود (کیا، ۱۳۸۱: ۸۵).

از مهم ترین اعتراضات به انتخابات دوره بیست و یکم غیر از اعتراض علمای بزرگ ایران، اعلامیه مشترک علی امینی، نورالدین الموتی، غلامعلی فریور و محمد درخشش بود که شرایط انتخاباتی، تخلف در آیین نامه و عدم استقبال مردم در گرفتن کارت الکترا و فشار دولت به مردم و عدم آزادی انتخاباتی را اعلام (آرشیو ملی، ۹۹۸/۱۷۹) و از آن به تظاهرات فرمایشی یاد کردند (ساکما؛ ۲۹۰/۶۷۷۳). گفته شده حتی دولت با زیر پا نهادن آیین نامه های انتخاباتی در روز اخذ رأی اقدام به تمدید زمان توزیع کارت های الکترا به مدت یک هفته دیگر کرده که علت آن افزایش مشارکت مردم بوده است. همچنین دولت تلاش کرده بود تا با تهدید و توقیف حقوق و تهدید به اخراج کارگران آنها را در پای صندوق های رأی حاضر کند (بازرگان، ۱۳۸۹: ۹۰-۱۹۲).

پرونده انتخابات مجلس دوره بیست و یکم در سطح شهرستان ها مشحون از گزارش هایی در مورد تخلفات و تقلبات این دوره است؛ از جمله گزارش از کارمندان ادارات همدان به اجبار دولت در دریافت کارت الکترا «دستگاه جبار برای انتصاب ننگین و فضاحت بار دوره بیست و یکم مجلس شورای ملی متوسل به یک رشته اقدامات خلاف قانون و مقرراتی شده است که در هیچ یک از ادوار دوره تقنینیه و تاریخ مشروطیت سابقه ندارد [...] علاوه بر این که کسبه و اصناف و کارگران معصوم را به جبر و عنف برای گرفتن کارت الکترا به حوزه های توزیع کارت برده و به آنها وانمود کرده اند که سرنوشت قسمت مهمی از زندگی آنها بسته به گرفتن کارت و داشتن مهر انتخابات در شناسنامه است». در بوشهر فردی به نام مصطفی خجسته در نامه ای اعتراضی می نویسد: «آنچه که در این کشور به جایی نرسد فریاد است، مع هذا برای ثبت در تاریخ معروض می دارم که انتخابات در بندر بوشهر و مضافات طبق مدارک در محیط ارباب و تهدید و اخافه و گرو گرفتن آب مشروب در بحبویه گرما در مقابل کارت های انتخاباتی صورت گرفته حتی کاندیدای محلی مورد نظر مردم نیز از اقامت در موطن و زادگاه خود منع نموده اند» (مراسان؛ پرونده انتخابات مجلس بیست و یکم بوشهر، ۷۲). از آباء حسن زندپور در نامه ای اعتراضی می نویسد: «آقای دکتر نجیمی رئیس اداره کشاورزی و اصلاحات ارضی فارس همین که در لیست دولت به نام کنگره در رادیو اعلام شد اسمش را ذکر کرده اند مطابق بند ۷

از ماده سیزده قانون انتخابات چون تا موقع انجام انتخابات رئیس کشاورزی و اصلاحات ارضی استان فارس بود حق انتخاب‌شدن نداشته و انتخابش باطل است» (مراسان، ۲۳۹۷-۷۴: ۳۸). در نامه‌ای اعتراضی، اصناف قم غیرقانونی بودن انتخابات دوره بیست و یکم را اعلام داشتند (ساکما، ۲۹۳/۳۰۴۶۳، ۱۲/۱/۳). همچنین عریضه‌هایی خطاب به نخست‌وزیر از محلات، خمین، تفرش، فراهان مبنی بر عدم پذیرش نمایندگان دوره بیست و یکم این مناطق ارسال گردید (ساکما، ۲۳۰/۴۰۹۰۷، ۷/۱/۴). گزارش مفصل از شهرستان دماوند و فیروزکوه حاکی از آن است که ترکیب انجمن برخلاف آیین‌نامه تعیین شده است (مراسان، ۲۳۹۷-۷۴: ۶۴). گزارش ساواک به تاریخ ۹ تیر ۱۳۴۲ به دخالت مهدی پیراسته وزیر کشور و عوامل وزارت کشور در انتخابات و دریافت مبالغی از کاندیدهای نمایندگی اشاره می‌کند (مروار، ۱۳۸۶: ۱۷۴-۱۷۲). موضوع نقش رئیس شرکت اتوبوسرانی تهران در سازماندهی آرای رانندگان و کارگران موجب شد تا مهندس بازرگان به نقل از نشریه توفیق بنویسد: «کل انتخابات در دست شرکت واحد» (بازرگان، ۱۳۸۹: ۱۰۹). یکی از اعتراضات جدی انتخاب خانم نزهت نفیسی همسر شهردار تهران بود که به سوءاستفاده از موقعیت همسر در گرداندگی کنگره آزادزان و آزادمردان متهم شده بود (مراسان، ۲۳۹۷-۷۴: ۶۱). دامنه اعتراضات که طیف گسترده‌ای از روحانیون برجسته تا علی‌امینی نخست‌وزیر قبل و افراد شاخص سیاسی تا احزاب مخالف را دربر می‌گرفت؛ بدین حد توقف نیافت بلکه با ورود ژنرال دوگل بیانیه‌ای از جانب مخالفان دولت و رژیم پهلوی صادر شد که در آن درخواست شده بود تا وی از سخنرانی در مجلس برآمده از این انتخابات خودداری کند. با پایان انتخابات در ۲۶ شهریور ۱۳۴۲ و راهیابی ۱۹۶ کرسی از دویست کرسی به مجلس^۱، دو جناح اقلیت حزب مردم با شانزده کرسی به رهبری هلاکو رامبد و جناح اکثریت قاطع نخواستگان سیاسی به رهبری کانون مترقی و حسنعلی منصور به مجلس راه یافتند.

۷. قدرت‌یابی منصور و نخواستگان سیاسی در فرایند انتخابات مجلس بیست و یکم

با پایان مأموریت تاریخی اقبال و حزب ملیون، شاه در دوره مجلس بیست و یکم حزب ایران نوین را جانشین این حزب کرد و اعلام داشت از تشکیل این حزب پشتیبانی می‌کند و همه‌گونه

۱. انتخابات حوزه‌های انتخابیه شیروان و بیجار انجام نشد همچنین برای نخستین بار شش کرسی مجلس به زنان رسید.

مساعادت و تسهیلات را برای آن فراهم کرد (ذوالفقاری، ۱۳۸۳: ۷۸-۷۷). منصور نیز به عنوان رهبر کانون مترقی پس از انتخابات مجلس بیست و یکم و پیروزی مطلق در انتخابات در ۴ آذرماه ۱۳۴۲ اعلام داشت به خاطر خواسته های مردم و به ثمر رساندن انقلاب شاه و تکمیل دموکراسی در صدد تشکیل حزب ایران نوین هستیم. وی در خصوص افراد شرکت کننده در این حزب گفت: با همکاری عده ای از افراد و کارشناسان امور اقتصادی اجتماعی و سیاسی حزب ایران نوین را با هدف تحولات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی برآمده از انقلاب ششم بهمن ایجاد کرده ایم (روزنامه اطلاعات، ۱۲۵۲، ۴/ ۸/ ۱۳۴۲: ۱۶). به این ترتیب از نخستین گام، این حزب توسعه ایران در ابعاد مختلف را هدف گذاری نمود. امری که به تدریج طی دو دهه به منصه ظهور رسید و روند پرشتاب آن تا ایجاد حزب واحد رستاخیز استمرار یافت. حزب ایران نوین در ۲۴ آذر ۱۳۴۲ با حضور حدود هشتصد تن از رجال و نمایندگان مجلس اعلام موجودیت کرد و حسنعلی منصور، رهبر کانون مترقی و لیدر اکثریت مجلس را به دبیر کلی انتخاب کرد. از سوی دیگر شاه که از نیمه دوم سال ۱۳۴۲ فضای سیاسی مطلوبش را فراهم آورده بود؛ به رغم مخالفت ها روند توسعه را پیگیری و زمینه را برای قدرت یابی نیروهای جدید که اهداف انقلاب و برنامه های او را پیگیری می کنند، فراهم آورد.

گزارش علم با یک چشم انداز ده ساله که در خاطرات او منعکس شده است در ترسیم چگونگی قدرت یابی منصور و حزب ایران نوین درخور توجه جدی است. علم با اطلاع کامل از مسائل پشت پرده سیاسی در ۳۰ تیر ۱۳۵۴ خاستگاه قدرت یابی این نیروهای تازه نفس تجددخواه را چنین بیان می کند: «خارجی می خواست مرا هم روز ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ از نخست وزیری بپندازد... بعد خارجی [آمریکا] از طریق دیگر آمد، حسنعلی منصور را به عنوان لیدر روشنفکران تراشیدند و به شاهنشاه قبولانند که این شخص و این روشنفکران ایران را گلستان خواهند کرد. شاهنشاه قبول فرمودند و به امر شاهنشاه ایران که از جان و دل دوست دارم، اطاعت کردم و گرنه دوباره پدر خارجی و خارجی پرست را درآورده بودم. مطلب به قدری شور بود که در انتخابات نسبتاً آزادی که من انجام دادم، منصور که کاندید وکالت تهران بود و می خواست وکیل درجه یک تهران باشد، وکیل دوازدهم شد (علم، ۱۳۸۰: ۱۰۳/۳-۱۰۲). بعد از قرائت آرا را کول پدرسوخته، وزیرمختار آمریکا سراسیمه پیش من دوید که دستم به دامنت بگو منصور را بالا بیاورند. یاللعجب (علم، ۱۳۸۰: ۱۰۳/۳-۱۰۲؛ میلانی، ۱۳۸۵: ۱۹۰). باری وکیل درجه یک نشد، ولی دو ماه

بعد نخست‌وزیر ایران بود. آقای هویدا نفر دوم منصور و مغز متفکر او بعد از کشته شدن منصور نخست‌وزیر هست که هست. حالا هشت سال می‌گذرد» (علم، ۱۳۸۰: ۱۰۳/۳-۱۰۲). عبارت‌های کشار این تحلیل، از جانب اسدالله علم، یار نزدیک شاه، گویای تحولات عمیق در ساختار قدرت سیاسی ایران بود.

نتیجه‌گیری

انتخابات دوره بیست و یکم مجلس شورای ملی از انتخابات مهم در تاریخ پارلمان ایران است. سیاست شاه در راستای تحقق اصلاحات موردنظر آمریکا، نیازمند ورود گروه‌های نوظهور غربگرا به صحنه سیاسی و پارلمان ایران پس از سرکوب نیروهای ملی در سال ۱۳۳۲ و مذهبی در سال ۱۳۴۲ بود. انتخابات و تحولات صورت گرفته در ساختار مجلس پس از انقلاب سفید، مستلزم تشکیل مجلسی هماهنگ با دولت و مداخلات جدیدی بود. بررسی نقش مجلس شورای ملی نشانگر آن است که مجلس این دوره با توجه به مقتضیات خاص جامعه ایران: ایجاد امنیت، استقرار یک قدرت فائق سیاسی و دستیابی به منابع گسترده مالی به‌شکل جدیدی در مسیر نوسازی وابسته قرار گرفت. نمایندگان این دوره با توجه به مقتضیات جامعه در حال تحول تقریباً از یک ترکیب خاص برخوردار بودند و آرمان‌های نوگرایانه به‌شدت در میان آنها قوت داشت. ظهور گروه‌ها و احزاب سیاسی دولتی نوظهور و حضور آن در مجلس شکل دگرگونی را در ساختار مجلس پس از انقلاب سفید رقم زد که تا پایان مجلس مشروطه استمرار یافت. انتخابات دوره بیست و یکم، آوردگاه منازعات درون‌حاکمیتی برای دستیابی به قدرت بود. شاه برای دستیابی دولت به قدرت اکثریت در مجلس و شکل‌گیری دولت هماهنگ با انقلاب سفید تحولات گسترده‌ای را تدارک دیده بود. تمامی تحولات در ساختار مجلس و نمایندگان نیز ناشی از ضرورت حمایت تمامی نهادهای حاکمیت از برنامه‌های شاه بود. شکل‌گیری احزاب و گروه‌های جدید، انجام انتخابات هدایت‌شده و تأثیر گسترده دولت بر انتخابات در راستای انتخاب نمایندگان همگن و فعال به‌منظور یکپارچگی در انجام اقدامات دولت، از نتایج این روند به‌شمار می‌رود. درواقع سیر هماهنگی دولت و مجلس که از مجلس بیست و یکم آغاز شده بود تا مجلس بیست و چهارم به‌طور روزافزون استمرار و از احزاب چندگانه دولتی تا برپایی حزب

۳۸ دوفصلنامه تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی، سال هفتم، شماره ۱۳، بهار و تابستان ۱۴۰۴

واحد سراسری رستاخیز همگی می‌تواند ترجمان سیاست یکپارچگی حاکمیت در ایران محسوب شود.



کتابنامه

الف) اسناد

مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسان)، شماره بازبایی: ۱۳۵، ۱۰۹-۱۱۰، ۲۳۹۷-۷۴، ۱۳۵-۱۱۰، پ ۲۱، آباءه، شماره ۳۸، پ ۲۱، دماوند شماره ۶۴، پ ۲۱، بافت، شماره ۶۱. اسناد نهضت مقاومت ملی، ج ۵، اسناد درونی سازمانی، بی‌جا، انتشارات نهضت آزادی ایران، بی‌تا. اسناد آرشیو ملی ایران (ساکما): ۱۲/۱/۶۷۷۳، ۱۲/۱/۳۹۰۵۲، ۷/۱/۴۰۹۰۷، ۱۲۳۹-۲۹۲. اسناد نهضت آزادی ایران، جریان تأسیس و بیانیه‌ها ۱۳۴۴-۱۳۴۰، تهران: نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۱.

ب) کتاب

افخمی، غلامرضا، سیاست و سیاستگزاری اقتصادی در ایران ۱۳۴۰-۱۳۵۰ مصاحبه با عالیخانی، تهران، انتشارات بنیاد مطالعات ایران. امینی، علی، خاطرات علی امینی، به کوشش حبیب لاجوردی، تهران، نشر گفتار، ۱۳۷۶. بازرگان، مهدی، خاطرات بازرگان شصت سال خدمت و مقاومت، به کوشش غلامرضا نجاتی، تهران، رسا، ۱۳۹۸. بازرگان، مهدی، یادداشت‌های روزانه، تهران، قلم، ۱۳۷۶. بشیریه، حسین، مبانی نظری و سیاست‌های توسعه، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۸. بیل، جیمز، شیر و عقاب روابط نافرجام ایران و آمریکا، ترجمه فروزنده برلیان، تهران، فاخته، ۱۳۷۱. پهلوی، محمدرضا، پاسخ به تاریخ، ترجمه حسین ابوترابی، تهران، نشر زریاب، ۱۳۷۹. پهلوی، محمدرضا، مجموعه تألیفات نطق‌ها پیام‌ها، مصاحبه‌ها و بیانات اعلیحضرت همایون محمد رضاشاه پهلوی آریامهر شاهنشاه ایران، بی‌جا، بی‌تا. جبهه ملی به روایت اسناد ساواک، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۹. حائری، عبدالهادی، آنچه گذشت، نقش از نیم‌قرن تکاپو، تهران، انتشارات معین، ۱۳۷۲. حزب ایران نوین به روایت اسناد ساواک، تهران، وزارت اطلاعات، ۱۳۸۰.

حزب ملیون به روایت اسناد ساواک، تهران، وزارت اطلاعات، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۸.

خلجی، عباس، اصلاحات آمریکایی ۱۳۴۲-۱۳۳۹ و قیام پانزده خرداد، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.

دوانی، علی، نهضت روحانیون ایران، ج ۳ و ۴، تهران، بنیاد فرهنگی امام رضا، ۱۳۵۸.

دیگار، ژان پیر؛ هورکاد، برنارد؛ ریشار، یان، ایران در قرن بیستم، تهران، البرز، ۱۳۷۸.

ذوالفقاری، ابراهیم، قصه هویدا، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۶.

رجبی، محمدحسن، زندگینامه سیاسی امام خمینی، ج ۱، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷.

روحانی، سیدحمید، بررسی و تحلیل از نهضت امام خمینی، ج ۱، قم، انتشارات دارالفکر و دارالعلم، ۱۳۵۸.

زهیری، علیرضا، عصر پهلوی به روایت اسناد، قم، دفتر نشر و پخش معارف، ۱۳۷۹.

زونیس، ماروین، شکست شاهانه ملاحظات درباره سقوط شاه، اسماعیل زند و بتول سعیدی، تهران، نشر نو ۱۳۷۱.

سفری، محمدعلی، قلم و سیاست از کودتای ۲۸ مرداد تا ترور منصور، تهران، نامک، ۱۳۷۳.

سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج، ترجمه عباس مخبر، تهران، طرح نو، ۱۳۷۱.

شاهدی، مظفر، سه حزب، حزب مردم، حزب ملیون، حزب ایران نوین، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی ۱۳۸۷.

شاهدی، مظفر، مردی برای تمام فصول، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۷۹.

شجیعی، زهرا، نخبگان سیاسی ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی، تهران، سخن، ۱۳۷۲.

صارمی، شهاب اصغر، احزاب دولتی و نقش آنها در تاریخ معاصر ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸.

طلوعی، محمود، داستان انقلاب، تهران، علم، ۱۳۷۱.

انتخابات مجلس بیست و یکم، گروه‌های سیاسی نوظهور و روند تحول پارلمان عصر پهلوی دوم..... ۴۱

عظیمی‌آرانی، حسین، اقتصاد ایران توسعه برنامه‌ریزی سیاست و فرهنگ، به کوشش خسرو نورمحمدی، تهران، نشر نی ۱۳۹۱.

علم، امیراسدالله، گفت‌وگوی من با شاه، زیر نظر عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، طرح نو، ۱۳۷۱.

علم، امیراسدالله، یادداشت‌های علم، ویراستار علی‌نقی عالیخانی، ج ۲، تهران، معین و مازیار، ۱۳۸۰. فرمانفرمائیان (فیروز)، مریم، خاطرات مریم فیروز، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۳. قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد ساواک: زمینه‌ها، ج ۱، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۸.

کاتوزیان همایون، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران، مرکز، ۱۳۷۴. کدی، نیکی، ریشه‌های انقلاب ایران، ترجمه دکتر عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳.

کیا، علی، خاطرات سپهبد علی کیا، به کوشش حبیب لاجوردی، تهران، زیبا، ۱۳۸۱. الگار، حامد، انقلاب اسلامی در ایران، ترجمه مرتضی اسعدی، حسن چیدری، تهران، قلم، ۱۳۶۰. گازیوروسکی، مارک ج، سیاست خارجی آمریکا و شاه، ترجمه جمشید زنگنه، تهران، رسا، ۱۳۷۳.

لاجوردی، حبیب، اتحادیه‌های کارگری و خودکامگی در ایران، ترجمه ضیاء صدقی، تهران، نشر نو، ۱۳۶۹.

لاجوردی، حبیب، خاطرات جعفر شریف‌امامی، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۸۰. لالوی، محمود، حزب مردم، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱. متن کامل مذاکرات هیئت دولت طاغوت در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، تهران، دفتر هیئت دولت و روابط عمومی نخست‌وزیری، بی‌تا.

مروار، محمد، مجلس شورای ملی بیست و یکم تا بیست و چهارم، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶.

مقصودی، مجتبی، تحولات سیاسی و اجتماعی ایران ۱۳۲۰-۱۳۵۷، تهران، روزنه، ۱۳۸۰.

منصوری، جواد، تاریخ قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷.

الموتی، مصطفی، ایران در عصر پهلوی، لندن، پکا، ۱۳۷۰.

میلانی، عباس، معمای هویدا، تهران، نشر افتراق، ۱۳۸۵.

میلانی، عباس، نگاهی به شاه، تورنتو، نشر پرشین سیرکل، ۱۳۹۲.

هالیدی، فرد، دیکتاتوری و توسعه سرمایه‌داری در ایران، ترجمه فضل‌الله نیک‌آیین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۸.

هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، سیاست خارجی ایران در دوره پهلوی ۱۳۰۰-۱۳۵۷، تهران، نشر البرز، ۱۳۷۵.

پ) مقاله

ذوالفقاری، ابراهیم، «حسنعلی منصور»، فصلنامه مطالعات تاریخی، ش ۵، زمستان ۱۳۸۳، ۷۷-۹.

رسولی‌پور، مرتضی، «پهلوی از سردرگمی تا خودکامگی گفت‌وگو با حسین خطیبی»، تاریخ معاصر ایران، س ۲، ش ۷۷، پاییز ۱۳۷۷.

قاجار، صونا، «زنان در ساخت اجتماعی- سیاسی ایران عصر پهلوی (۱۳۰۰-۱۳۵۷ش)»، تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی، دوره ۳، شماره ۶، بهمن ۱۴۰۰، ۹۶-۱۱۶.

نجفی، وحید و محمود، سادات، «تبیین خدمت سربازی روحانیون در دوره پهلوی دوم»، تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی، دوره ۴، ش ۷۷، شهریور ۱۴۰۱، ۳۳۶-۳۱۷.

ت) نشریات

اطلاعات، ۲۰ اردیبهشت ۱۳۴۰، شماره ۱۰۵۰۰،

اطلاعات، ۱۶ مهر ۱۳۴۱، شماره ۱۰۹۱۷.

اطلاعات، ۱۴ آبان ۱۳۴۱، شماره ۱۰۹۴۱.

اطلاعات، ۱۰ آذر ۱۳۴۱، شماره ۱۰۹۶۳.

اطلاعات، ۱۹ دی ۱۳۴۱، شماره ۱۰۹۹۵.

- اطلاعات، ۴ بهمن ۱۳۴۱، شماره ۱۱۰۰۷
- اطلاعات، ۸ بهمن ۱۳۴۱، شماره ۱۱۰۱۰.
- اطلاعات، ۱۹ خرداد ۱۳۴۲، شماره ۱۱۱۱۰.
- اطلاعات، ۷ فروردین ۱۳۴۲، شماره ۱۰۵۳.
- اطلاعات، ۳۱ تیر ۱۳۴۲، شماره ۱۱۱۴۶.
- اطلاعات، ۱۴ مرداد ۱۳۴۲، شماره ۱۱۱۵۸،
- اطلاعات، ۲۶ شهریور ۱۳۴۲ شماره ۱۱۱۹۴
- اطلاعات، ۱۸ فروردین ۱۳۴۲، شماره ۱۱۰۶۱،
- اطلاعات، ۱۳ مرداد ۱۳۴۲، شماره ۱۱۱۵۷.
- اطلاعات، ۱۲ مرداد ۱۳۴۲، شماره ۱۱۱۵۶،
- اطلاعات، ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، شماره ۱۱۱۰۷،
- اطلاعات، ۱۹ تیر ۱۳۴۲، شماره ۱۱۱۳۷،
- اطلاعات، ۲ مرداد ۱۳۴۲، شماره ۱۱۱۴۸.
- اطلاعات، ۳ مرداد ۱۳۴۲، شماره ۱۱۱۴۹.
- اطلاعات، ۲۰ مرداد ۱۳۴۲، شماره ۱۱۱۶۲.
- اطلاعات، ۲۷ مرداد ۱۳۴۲، شماره ۱۱۱۶۸.
- اطلاعات، ۳۱ شهریور ۱۳۴۲، شماره ۱۱۱۹۹.
- اطلاعات، ۱ مهر ۱۳۴۲، شماره ۱۱۱۹۹.
- اطلاعات، ۲۶ خرداد ۱۳۴۲، شماره ۱۱۱۱۶
- اطلاعات، ۴ خرداد ۱۳۴۲، شماره ۱۱۱۰۰.
- اطلاعات، ۴ آذر ۱۳۴۲، شماره ۱۱۲۵۲.
- خواندنیها، ۲۹ مرداد ۱۳۴۲، شماره ۹۶.
- خواندنیها، ۲ شهریور ۱۳۴۲، شماره ۹۷.
- خواندنیها، ۱۶ شهریور ۱۳۴۲، شماره ۱۰۱.
- خواندنیها، ۱۲ شهریور، ۱۳۴۲، شماره ۱۰۰.
- خواندنیها، ۲۹ تیر ۱۳۴۲، شماره ۸۷.

۴۴ دوفصلنامه تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی، سال هفتم، شماره ۱۳، بهار و تابستان ۱۴۰۴

خواندنیها، ۱۵۰ تیر ۱۳۴۲، شماره ۸۲ .

خواندنیها، ۱۸ دی ۱۳۴۱، شماره ۳۲ .

خواندنیها، ۵ شهریور ۱۳۴۲، شماره ۹۸ .

مهر ایران، ۶ شهریور ۱۳۴۲، شماره ۱۹۰۸ .

مهر ایران، ۱۹ تیر ۱۳۴۲، شماره ۱۸۷۰،

ج) مشروح مذاکرات مجلس

مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۲۱.



حضرت مبارک بندگان آیت اله العظمی آقای حاج سید ابوالحسن قزوینی دام ظلّه اعمالی

هریکه خاطر مبارک استحضار دارد چندی است که از طرف دستگاه مشغول توزیع کارتهای انتخابات
لسین شوری و ستاشده اند و مسلماً * از شرایط قانونی انتخابات آزادى و مطبوعات و تشکيل مجامع
جتماعات است و چنانچه پراحدى پوشیده نیست اکنون در تهران حکومت نظامی برقرار و جاسوسان
زمان امنیت مردم را به پهنه های مختلف بازداشت کرده پزند ان میفرستند و بطور کلی آزادى عقیده و
ظاهر نظرس برای کسی نیست مطبوعات در سانسور شدید دولت است و خفقان و ارباب از طرف دستگاه -
که حکم فرماست آید در چنین شرایطی ناگوار وظیفه مسلمانان چیست آیا باستى در انتخابات شرکت کرد
از دادن رای خود داری نمود وظیفه شرعی ما مسلمانان را تعیین فرمائید تا بدان عمل کنیم محمد علی
انى علی محمدی جعفر عبدالخواه احمد توسلی حسن تقوی جعفر حسین کمالی
دشجاع هاشمی نژاد محسن باهاشی سید محمد کاظم رجبی حاج حسن ملکى *
بضا * عده دیگر بسم الله تعالى با وضعی که در سوال ذکر و بیان شده است شرکت در چنین
خابات صحیح و مطابق قواعد شرع انور نیست

اللهم اید الدین واهله و انصرهم نصراً * عزیز الاحقر

ابوالحسن الحسین القزوینی

تصویر شماره ۱. استفتاء مردم از آیت الله حاج سید ابوالحسن قزوینی

جهت شرکت در انتخابات مجلس شورای ملی

متن اعلامیه جامعه روحانیت تهران درباره تحریم انتخابات دوره بیست و یکم مجلس شورای ملی

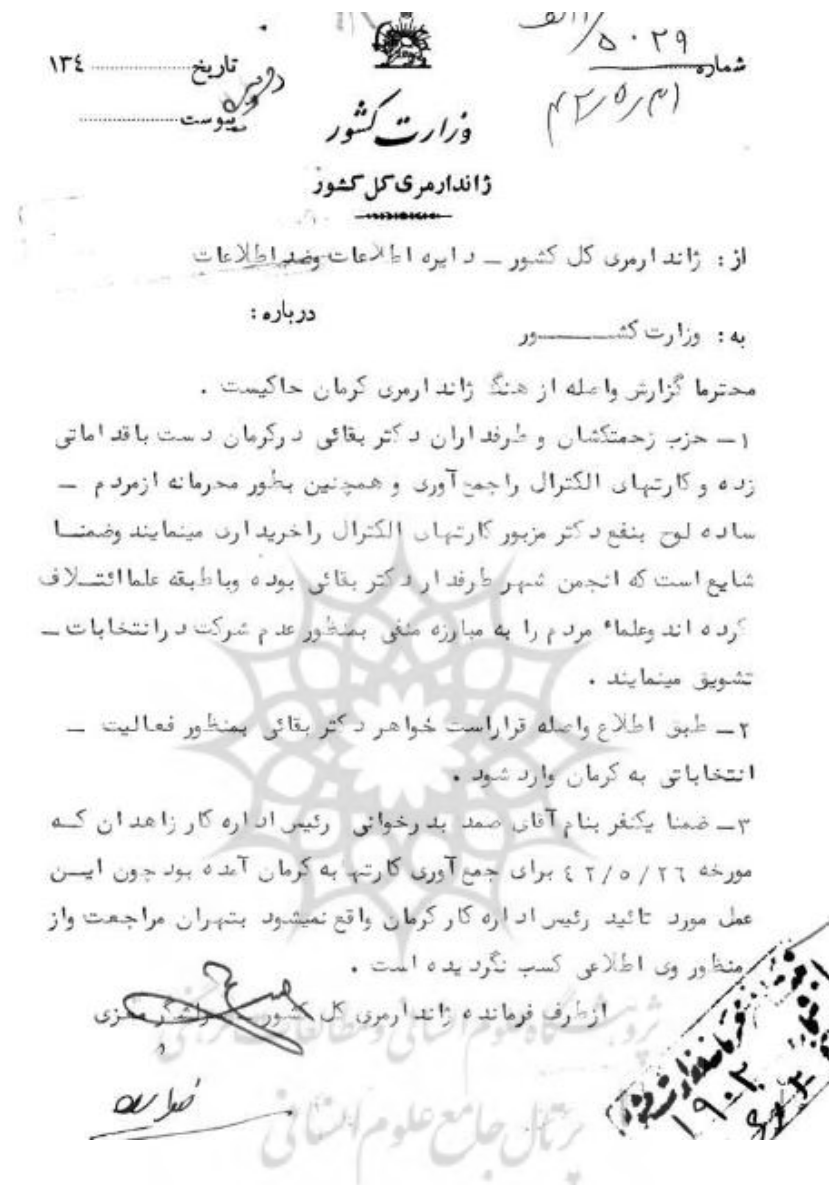
برادران ایمانی

دستگاه حکومت در سایه سرنیزه و ایجاد خفقان دست به انجام اموری زده است که همه چیز مملکت را در معرض خطر جدی قرار داده و به اقدامات حسن نیت حضرات مراجع و جامعه روحانیت کوچکترین توجهی نمی نماید. هنوز مراجع شما در زندانهای خصوصی محصورند. عجیبتر از همه موضوع انتخابات است که در این شرایط برخلاف همه موازین به دست عمال سازمان امنیت در شرف انجام است. جامعه روحانیت تهران با کمال صراحت اعلام می دارد با صدور دستخط تحریم از تاحیه حضرات مراجع تقلید عظام دامت برکاتهم انتخاباتی که در این شرایط انجام شود غیرقانونی و مصوبات چنین مجلسی از نظر ملت ایران بی اعتبار و کوچکترین ارزشی نخواهد داشت.

جامعه روحانیت تهران

۸۳/۲۴/۲۶

تصویر شماره ۲. اعلامیه جامعه روحانیت تهران مبنی بر تحریم انتخابات مجلس بیست و یکم



تصویر شماره ۳. فعالیت‌های انتخاباتی حزب زحمتکشان در شهرستان‌ها

